

# مرد عنکبوتی و ددپول

003 **MARVEL**

جو کلی  
اد مگینس  
مارک مورالز  
جیسان کیث  
احمد کلاتیانی



# مارول کامیکس

با کمال بی میلی تقدیم میکند ...



پیتر پارکر از یه عنکبوت رادیواکتیو نیش خورد، و این بهش قدرت‌هایی شگفت‌انگیز داد، نظیر سرعت فوق‌العاده، قدرت و چابکی یک عنکبوت، و انگشتان چسبناک. بعد از اینکه یاد گرفت که با قدرت بزرگ، مسئولیت بزرگ هم میاد، تبدیل به بزرگترین قهرمان دنیا شد. او کسی نیست جز ...

## مرد عنکبوتی شگفت‌انگیز

اونجر ... قاتل ... سوپرستار! وید ویلسون برای یک برنامه‌ی فوق‌سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش قدرت ترمیم از هرگونه زخمی رو داد. در کنار در آوردن پول ناچیزی به عنوان یک مزدور آماده‌ی استخدام، وید تبدیل شد به پرطرفدارترین قهرمان دنیا. و الان ستاره‌ی بزرگترین مجله‌ی کمیک دنیاست (مهم نیست اون مرتیکه‌ی تاری چی فکر میکنه). صدش کنین مزدور و راج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...



# ددپول

در قسمت قبل:

اگه این اولین قسمت از مرد عنکبوتی و ددپوله که میخونین، خوش اومدین! دیر رسیدین به مهمونی، ولی ما هنوزم دوستتون داریم و با آغوش باز پذیرای شما هستیم.

دفعه بعد که شماره یک به کمیک و دادیم بیرون، ۳ تا ازش بخرین که دوباره تو این موقعیت قرار نگیرین. اگه دوست دارین که تو داستان حماسه‌ایه ما غرق بشین و هنوز دو تا قسمت قبلی رو از دوستتون قرض نکردین که بخونین، توضیحات زیر برای شما نوشته شده:

- ددپول و عنکبوتی خیلی خوب با هم کنار نمیان! (عنکبوتی یه جورایی از ددپول متنفره...)
- یه شخص مرموز ددپول و استخدام کرده که پیتر پارکر رو بکشه!
- میستر یو موفق شد که با استفاده از تکنولوژی صنایع پارکر یه توهم گسترده درست کنه و شهرت تحت کنترل بگیره. در نتیجه ددپول با ماشین رفت روش! چه قهرمانانه!
- ددپول خیلی هم بد نیست البته. زندگیه میترسیو رو نجات داد، و مرد عنکبوتی شروع کرد که یه طور دیگه‌ای راجع به مزدورمون فکر کنه.

## واقعا برادرانه نیست؟

بخش

سوم

JOE KELLY WRITER • ED MCGUINNESS PENCILER • MARK MORALES INKER

JASON KEITH COLOR ARTIST • VC'S JOE SABINO LETTERER

ED MCGUINNESS AND MARTE GRACIA COVER ARTISTS DAVE MARQUEZ AND MARTE GRACIA,  
ED MCGUINNESS AND ANDREW CROSSLEY VARIANT COVER ARTISTS  
MANNY MEDEROS TITLE PAGE DESIGN DEVIN LEWIS ASSISTANT EDITOR  
JORDAN D. WHITE AND NICK LOWE EDITORS

SPIDER-MAN CREATED BY  
STAN LEE AND STEVE DITKO

DEADPOOL CREATED BY  
ROB LIEFELD AND FABIAN NICIEZA

AXEL ALONSO EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER  
DAN BUCKLEY PUBLISHER ALAN FINE EXECUTIVE PRODUCER  
مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی

COMIC CITY

www.comic-city.ir

"واقعا از معجزه چیزی کم نداره. پنجاه و سه تا استخوان خورد شده، کلیه و ریه‌ی سوراخ شده. شکستگی سر."

"چه لیاقتشو داشته باشه یا نه ..."

کوئنتین یک یه شانس دوباره برای زندگی داره.

و بر اساس تستای دی ان ای توسط پلیس بین‌الملل، افسبی‌ای و پلیس نیو یورک، این واقعا بکمه. خود خودشه.

توهم نیست، خوابم نمیبینیم ... واقعا میستریو رو گرفتیم!

شنیدم که میگن ددپول زندگیشو نجات داده.

البته تصادفا هم با ماشین رفت روش.

ازش خوشش نمیداد؟

هیچوقت خیلی راجع بهش فکر نکردم. میدونستی من این اسکترای پزشکی رو اختراع کردم؟ شما به علوم علاقه‌ای دارید، دکتر ... ؟

عمو ددپول اومده!

توی کما حالتون گرفته‌است؟ دکتر ددپول براتون درمان داره!

براتون اون کلیپ "فقط انجامش بده!" ی شیا لیبیوف رو اجرا میکنم تا گوشاتونو بکنین ...



اوه ...  
پیتزر پارکر.

...  
یا آقای پول رو ترجیح میدین؟  
...  
دوپول ...

نه داداش.  
همون ددپول.

وای خدای من!  
هیچکس باور نمیکنه  
من کیو دیدم!



چرا انقدر  
عجیب زل زده به  
من؟ یعنی میدونه؟ وای  
خدا، میدونه.  
نمیتونه بدونه.  
اون ددپوله! یه  
احمق!

در ضمن، خیلی ممنون  
که درست موقعی اومدی که  
داشتم به دکتر پیشنهاد شام  
میدادم، احمق.



شاید  
دکتره.  
اون پرستاره  
هم بد نیستا.

یه دکتر پرستاره؟ نه  
بابا، احمقانه‌است.

خب، قراره پیتزر  
پارکر رو الان بکشیم  
یا بعدا؟ و در نتیجه‌اش باید  
پرستاره هم بکشیم؟

دکتره؟ نه بابا زن که  
دکتر نمیشه. شایدم بشه.



خب، میخواستی  
بابت گرفتن میستریو با  
ددباگی ازم تشکر  
کنی؟

درواقع واسه نجات  
نیو یورک ...

این "ددباگی"  
چیزی شبیه اسپایدرباگیه  
با یه رنگبندی دیگه؟



با نمکی. احتمالا  
مال دور بودن از مشکلات  
جامعه‌است.

بیخشید؟

بیخشید. حواسم  
جای دیگه بود. بذارید  
برم سر اصل مطلب ...



آروم بگیر پسر.  
تا دستتو با ضد عفونی کننده  
نشستی دست به رئیس  
نمیزی!

میدونم که  
دستت و به کجاها  
زدی.

سلام ... مرد عنکبوتی. کاملاً  
میدونستم اونجایی، ولی رئیس با  
حرفاش و اینا آدم و حسایی  
جذب میکنه.

دوباره بگو  
"برخورد"، با اون  
صدای "جذابترین مرد  
توی دنیا" بگو.

یه جورایی شک دارم  
اینی که میگی درست باشه ...  
به هر حال ...

... وقت خوبی  
اومدی. مرد عنکبوتی داشت بهم راجع  
به ... برخوردای قبلیتون بهم میگفت ...

داشت فکر میکرد که  
بینه واقعا عوض شدی  
یا نه.

اگه واقعا یه  
ورق جدیدی از زندگیتو  
شروع کردی، خب ... فکر  
کنم امتحانش ارزششو  
داشته باشه.

شما دو تا باید  
بیشتر با هم بگردین.

داری جدی میگی؟ از اون "رئیس مزخرفم (منظوری ندارم) بهم  
یه ماموریت پاچه خواری داده (منظوری ندارم) که با یه قهرمان خیلی خفتر  
از خودم بگردم (منظوری ندارم)" نیست؟

هوم ... آره ...  
خب حالا آرومتر  
پیش برو.



تاریخ داره رقم  
میخوره! بذارید لحظه  
رو ثبت کنیم!

هی دکتر، از اونجایی که  
همه دارن برنامه میچینن ...

من ازدواج کردم،  
شرمنده. بگید سبب!



جدی  
میگم.

به جدول شخصیت شناسی خوش اومدین،  
برای آشنایی با دنیای اسپایدی پول ...

هابی بزون که گذاری لباس  
مرد عنکبوتی رو میپوشه تا پیتر و  
مرد عنکبوتی بتونن دوتایی تو  
یه اتاق حضور داشته باشن ...

ددپول یه ماسک روی  
ماسکش پوشیده بود تا به همه  
دکترای دلنک تو سراسر دنیا  
ادای احترام کنه.

هیچوقت دیگه این دکتر  
رو نمیبینم، ولی ایشون  
ازدواج کردن.



پیتر پارکر واقعا  
مرد عنکبوتیه، ولی ...



# پک روز، کلی آماده سازی و کمی پیشتر از چند تا چیغ و داد پسر و نه بعد ...



میخواهی با من  
واقعی آشنا بشی؟! زیر  
این عضلات و جذابیت و استخوان  
بندی فوق العاده ... آشنا  
میشی.

به یگروز با  
ددپول خوش اومدی!  
هر کاری من میکنم، تو  
هم میکنی!

به جز دستشویی، که  
مطمئنم تو هم میکنی، ولی اون  
جز منو نیست، پس تو دستشویی  
خودتو میکنی، منم مال خودمو  
میکنم ...

یه سری  
قانون خواهیم  
داشت.

میشه کلمات رمز  
خودمونو داشته باشیم؟ من  
میگم "باز باید برم."



یه هدیه برات  
دارم، خودم درستش کردم.

باورت نمیشه بگم  
چندبار سر قرار اول بهم  
شلیک کردن ...

بعد از قضیه‌ای که  
با میستریو پیش اومد یه  
شانس دوباره پیش من  
گرفتی ...

ولی من  
احمق نیستم.

تنها راهی که میشه  
من قانع بشم تو عوض شدی  
اینه که ۱۱۰ درصد حقیقت  
بشنوم.

میشه به "الکی مثلا"  
رضایت بدیم؟

من همین بغل  
پیاده میشم ...

شوخی کردم! شوخی  
کردم! من اصلا با دروغ  
مشکلی ندارم.

**THUNT**

ای جون مادرت!!

باید خیلی زودتر از اینا  
این کارو میکردیم، همین  
الان هم دارم لبخند  
میزنم.

آره، خیلی  
هم عالی...  
په-په-په! پفه!

بخوایم خیلی فنی  
نشیم، این یه دروغ سنجه  
که تو یه ردیاب عنکبوتی  
بستمش.

پس از کلی جریان  
برق و منجده دقیقه‌ی دردناک  
دیگر ...

بچه‌های این روزه خیلی  
ناشکرن.

DEADPOOLS  
DOLLARS

FOR ALMOST  
DEADKID

واقعا باور نکردینه.

امیدوارم که خیلی  
برات شوکه کننده نباشه،  
ولی ما دیگه کاری با هم  
نداریم.

و آره، از قصد از  
"شوکه کننده" استفاده کردم  
که حالتو بگیرم.

صبر کن! راستش ...  
آره، من یه مراسم خیریه راه  
انداختم و الکی گفتم که این کار  
عادی‌مه! آره، حقیقت و میگم.  
این بهترین ساعت زندگیم  
نبوده.

ولی با اون حقیقت برقی تو این  
همه سوالی سخت منو تحت فشار  
میداری!

من فقط تونستم بپرسم  
"رنگ مورد علاقات چیه؟"  
قبل اینکه گند بخوره به  
همه چی.

آخه چرا  
باید همه چی به رنگ  
ربط داشته باشه؟

خوشحالم که میبینم  
انقدر این قضیه رو  
جدی میگیری وید.

میگیرم! واقعا میگیرم!  
فقط ... سخته.

میخواهی من واقعی رو  
بینی، باشه. دیگه از خیریه  
الکی خبری نیست. مسخره بازی  
هم نمیکنم. فقط خودمم.

حتی اون سنجاق  
شیطانی حقیقت هم  
میپوشم ... ولی باید باهام  
بیای سر کار.

کجا؟

میدونی، من به کارآفرینم، مواقعی که مشغول فروش پشقاب با طرح هالک نیستم، به گروه دارم که برام کار میکنن و خوبی رو سراسر جهان پخش میکنن ...

### مزدورهای آمادگی پول ددپول

امروز، تیم زبدهی من که از یک سری افراد خوب ولی مرگبار ولی دوست داشتنی تشکیل شده، یک ماموریت توی قلب بولیویا دارن.

به شهر کوچیک اونجا هست که به گروه مذهبی شدیدا مسلح اونجا رو به گند کشیدن ...

ولی اینجا حتی نگراز هم نیست! باورت میشه؟

اسمشون "فرهنگ بی نظمی" و رسماً هیچی جز به گند کشیدن هرجایی که میرن نمیخوان. به نوع دیپوتنه بازیه که حتی منم نمیتونم با مزگیشو درک کنم.

اینجا به جای دوره که دولت بهش اهمیت چندانی نمیده، واسه همین مردم اینجا به نوع دیگه‌ای از کمک نیاز دارن.

گلوله هامونم مصنوعیه، خب؟ کشنده نیست.

این دیپوتنگیه! اینا صد نفرن!!

من همچین حرفی نزدم! پس داری میگی که باید از گلوله‌های واقعی استفاده کنیم ... ؟

منم نزدم.







کار کردن با ددپول همیشه لذت بخش بوده. به رهبر واقعیه.

باعث افتخارمه که دوست صداس کنتم.

ممنون بابت توضیحاتی که ازت نخواسته بودم، سفره ماهی ...



میدونم که قبلا مشکلات خودشو داشته، ولی همه داشتن دیگه، نداشتن؟ میگن که حتی تو هم به مدت خودت نبودى.

ددپول زندگى چندین نفرو زیر رو کرده ... به ویژه منو!

خیلی خب، باشه ... میشه روی ارتش این دیوونه‌ها تمرکز کنیم؟



من ... ام ... من به هدف دارم. دلیل پیدا کردم. کار کردن با ددپول بهم غوره داده ...

غرورا! منظورش "غرور"ه!

بیخشید، دستم عرق کرده.



راجع به موسسه‌ای که برای کودکان زده بهت گفته؟

میفهمم هدفتون اینجا چیه ... میتونین بس کنین دیگه ...

هیسس! صدا بچه‌ها رو درنیارا!



خیلی خب، بذار زودتر تموم کنیم این توضیحات و بره ... تو چیزی نداری اضافه کنی دلگخ خان؟

بعضی مواقع نمیتونم تشخیص بدم که صداهای توی کله‌ام از سیاره گربه‌هاست یا از طرف پادشاه سبزیاست که میخواد من برم و با دخترش بروکلینی ازدواج کنم ...

و ددپول هم حرف نداره.



چه حرف زشتی. خجالت بکش!

بهتون پول داده که اینارو بگین؟

نه، من ... پ-پ-پ-ف!



خب تو هم حرفتو بزن دپول تقلبی.

درواقع قربان اسم منیو سلاخ بودیتا. این لباسیتا به افتخار ددپولیتا پوشیدیتا.

و درست بودیتا که پول دادیتا تا ازش تعریف کرنیتا، ولینا من این توضیحاتتا به اختیار خودمینو میدیتا.



شایدینا فضاوتش نکینینا ... بتونه غافلگیرت کنینا.

ددپول آدم معرکه‌ای نبودیتا. حتی نمیشه کامل گفتینو آدم خوبیتا ... ولی تلاشبو میکنیو.

...



ای انسانی که از دیوار راست بالا میری، با من بیا! مزدورا، شما ترتیب کارای سبک و بدین!

جناب عنکبوتی و من میریم که کله‌ی این هیولا رو بکنیم! هییی-یا!

اون اسب معمولاً جز عملیات نیست، هست؟

مردمیتا هستنیتا که دوستش داشتیتا، فقطیتا ... با ذهن باز بهش نگاه کنیت.



هنوز تو کف کارای من نموندی؟

یه شهرک از کشاورزان فروتن یه عده قهرمان عجیب غریب و استخدام میکنن تا ازشون در مقابل عجیبترها مراقب کنن!

مثل یوجیمبو اومدم اینجا!!

منظورت هفت سامورا بیه؟

ما هشت نفریم. یوجیمبو تو زاپنی یعنی "هشت"، مطمئنم. دنباله‌ی فیلمش بود.

واقعا باید یه سنسور احمق سنج هم توی اون ردیابم میذاشتم.

سرعت و کم کن ددپول، حس عنکبوتیم ... وای!



این صحنه تو یوجیمبو نبود!



نگران نباش. خوب فرود اومدم. حالا باید ...

# چوبی و سنگی

بذارید  
شما رو به ابدیت پوچی  
راهنمایی کنن.

دنیا به پایان  
رسیده. میتونید سلاحاتونو  
بذارید پایین و استراحت  
کنید.

خبرای این  
روزا رو نشنیدین  
فرزندان؟



قبلا با این  
کله پوکا برخورد داشتم.  
به این ترسناکی نبودن ... یا  
یه گروه پشتشون  
نبود.

بعضی مردم انتخابای  
بدی تو زندگیشون میکنن.  
شرط میبندم اسمش هم با "ص"  
مینویسه به جا "س". مگه نه؟  
این یه نشونه‌است.



دارم به زور جلوی تیکه انداختن به اون دستش و میگیرم. تا دلت بخواد تیکه دارم.

اونوقت من فکر میکردم الان داری واسه گرفتن انتقام اسبت گریه میکنی.

کدوم اسب؟

تو برو سراغ اون گندهه. من میرم سراغ انگشت طلا.



اگه مشاور کاریت بودم، با اون انگشتات میفرستادم سراغ پیانو یا میفرستادم به جا بری زمینو بکنی.

یا اصلا هردوش. به پانیست خشکیده که داره زیر پاش دنبال چیز میز میگردد.

بی ایمانها همه در سرمای خورشید سیاه مضاح میکنن ...

... ولی با گذر زمان هیچی جز سکوت براشون نمیمونه.



باید خدمت عارض شم که واقعا نحوه حرف زدنت به این گروههای مذهبی میخوره.

سیاستمدار هم برات گزینه کاری خوبی میشه.

تارام دارن کم میارن ددپول. فکر کنم چیزای ارگانیک روش جواب نمیده.

چه موضوع علمیه جالبی. حالا به چیزی جالبتر ...



این یارووه میتونه ضد گلوله رو تبدیل به بتن کنه.

همه در پایان تبدیل به خاک میشن.



بیگیر منو!

هر چند حملاتون  
پر انرژی و خوب باشد، ولی  
مطمئنا مرد عنکبوتی بزرگ میدانند  
که بی ثمر خواهد بود ...

... همه چیز میمیرد،  
دنیا بی معناست.

پارازیت!

چه زوج قدرتمندی هم  
هستن. یکیشون چیزای ارگانیکو  
از بین میبره، اون یکیشونم  
بقیه چیزارو.



پوسیدن دل  
و رودهات هم میتونی  
درمان کنی دیگه،  
نه؟

درمان شو  
درمان شو درمان شو  
درمان شو!

باید عقب  
نشینی کنیم ...

چونکه فقط محض  
اطمینان میبرسم، حتی با اینکه  
انقدر ترسناکن و میتونن مارو  
تبدیل به کود گیاهی کنن، باز  
هم قرار نیست بکشیمشون؟

درسته  
جوون.

چون که به عنوان یه  
قهرمانی که تازه راه خوبی رو  
پیش گرفته، باید بگم که این  
ایده کاملا احمقانه است. فقط  
گفتم که گفته باشم.



BOOM



پا، اینجا افراد بیگناه ... هستن؟!



اینجا به آشپزخونه مواد! داریم از به گروه پخش مواد محافظت میکنیم؟

اگه بگم "پولشونو به موقع دادن" جواب مناسبی ندادم، دادم؟



تو میدونستی!!

میدونستم که مزرعی خانوادگی مرکادو به سری مشکلات داشته ...

نمیدونستم مشکلتون چوبی و سنگی ان!

اوه، الان میفهمم چرا با "ص" مینوسیتش!



ما داریم واسه قاچاقچی های مواد میجنگیم!

واقعا؟ پوف داداش چشماتو باز کن ...



برو کنار ... آآرگا!

هی، داد تیرپ دزددریاییه منو دزدیدی! والای لعنت بهت!



این زمین زیر  
پاتون همین الانشم  
فاسده. چرا برای مراقبت  
ازش میجنگین؟

اینا خودشونو مسموم  
میکنن. سرزمین شمارو. زمینو ...  
بذارید همماش رو پاک کنیم  
و از نو شروع کنیم.

از نظر فلسفی بخوایم  
نگاش کنیم، چیز بدی نمیگی، ولی  
همونطور که ممکنه شنیده باشی،  
"پولشونو به موقع دادن ..."

چوبی داره میره  
واسه یه سیخونک دیگه!

زشته آدم انگشتشو  
به سمت کسی بگیره!

و منم قراره به  
صحنه‌ی خیلی معنوی و  
اخلاقی داشته باشم، پس  
برو گشو.



شر کامونو  
تعویض کنیم!



ما هم اینجا به  
اسکارفیس یا پابلو  
اسکوبار کمک نمیکنیم.  
یه نگاه به این مردم  
بنداز ...

همه نمیتونیم تو آمریکا  
جز آدم خوبا باشیم. کاری که اینا  
دارن میکن واسه نجات  
چونشونه.

نمیدونم کدوم  
بیشتر ناراحت کننده‌است،  
اون که گفتی ...

... یا اینکه تو  
فهم بالا از یه موقعیت  
به این پیچیدگی داری.

معمولا اینکار  
منجر به یه مهمونیه  
خیلی خوبی  
میشه ...

... ولی فکر  
نمیکنم منظور تو  
اون باشه.

...واسه نصف  
اینا شرایط اینه که یا مواد  
درست میکنن یا میمیرن. و واسه  
نصف دیگه شونم یا مواد کشت  
میکنن یا میمیرن.

معما رو بذار واسه  
بعد. نقشه داری؟

آره ...

چقدر بچه سوسول ...  
به مشت استخون شکن خوردن  
و برگشتن خونشون.

ما ... ما شکست خوردیم  
صنکی، عقب نشینی  
کن ...

میدونم. به این شکلم میگم  
شکل پتیر سونسی ... نگران  
نباش. سیستم درمانم داره  
کار میکنه ... تقریبا ...

میشه به کم از  
محصولاتشونو بزنیم  
به جیب؟  
اگه نه من  
کمک نیاز دارم.

فکر میکنی  
به اینکاری که دارن  
میکنن ادامه میدن؟

قراره دنبالشون  
بریم ... اوه،  
وید ...؟

یکی یا به جیب  
خیلی پر از پول و کلی  
قدرت میخواد تا بتونه به  
کار واقعی اینجا کنه.

خوب میشد اگه  
یکی اونطوری میشناختیم...  
تونی استارک چطوره؟

اونکه ورشکست  
شده شیش پرورش میده.  
درضمن مزدورام هم ترتیب اون  
فرهنگیا رو دادن، مرسی که  
پرسیدی.

چرا تو هنوز نمردی؟! یک لمس  
از من همه رو به پایانشون  
میرسونه!!

بخاطر قدرت  
درمانم ... ولی اگه کمکت  
میکنه، باید بگم که انگشتات  
درد دارن.

نفرین بر تو!  
صنکی!  
کمک!

خوبه. میشه حالا بریم  
خونه؟  
تقریبا.  
تقریبا؟  
آره،  
پنج شبهه‌است دیگه  
بابا.

این پنج شبهه‌ها هم  
از اون چیزایه که من  
دوست ندارم بدونم؟



بی نظمی یکی از  
اصول اصلی جهانیه. مسلمانا  
میتونم ببینم چیش میتونه  
جذاب باشه ...

هنستق

... ولی کلی زمان  
میبره و به قدرت مندی امید  
نیست. من این فلسفه رو  
ترجیح میدم.

اونقدری که به شمشیر  
زدن علاقه دارم به اخلاقیات  
علاقه ندارم. ولی همونی که  
اون گفت.

شرمنده، ولی صنکی  
فعلا نمیتونه بیاد دعوا. چون به  
کم محلول سودیوم هیدروکسید  
دادم به خوردش ...

... که خیلی  
تمیز می‌تونه لمسای مرگبار  
اسیدی مزاحم رو برای مدت  
کافی خنثی کنه که بشه به...

**KTHOK**

**ظریه مرگبار  
دوقهرمانه!!!**



یک ورق زدن صفحه و یک پرواز با  
سرعت فراصوت از پولیویا بعد ...

اوه، من  
هیچ سیگنالی اینجا  
نمی‌تونم دریافت یا ارسال  
کنم. جی بی اس، شبکه، ماهواره  
همه از نرده که رد شدیم  
رفتن تعطیلات ...

پارازیت داره.  
اینجا از نظر الکترونیکی  
وجود نداره. از فضا بهش نگاه کنی  
جز به سقف ترسناک که روکش  
بعضی جاهاش پریده هیچی  
نمی‌بینی.

این آخرین ایستگاه  
این سفرمونه.

بذار حدس بزنم،  
مخفیگاه ابر مزدورا؟  
کلوب فضا یا؟

از تو یاد گرفتم،  
پدر.

ذهن کثیفی  
داری.

هه. نمیدونی  
که چقدر این حرفت  
بامزه‌است.

اوناهاش. درست  
سر وقت .. حتی از  
ساعت هم استفاده  
نمیکنه.

واقعاً؟ میخوای این  
دورهمیه امروزو با بچه‌ها و  
هاپوها تموم کنی؟

فکر میکردم قراره  
حقیقت رو امتحان  
کنیم ...

بابایی؟

چی گفتی  
دختر کوچولو؟؟



سلام الی خانومی.

هفته‌ها  
چطور بود؟

توی درس مطالعات  
اجتماعی ۲۰ گرفتم و برایان اسپاگتی  
پرت کرد تو موهام و منم با اینکه میخواستم  
ولی با چنگال نزدمش و امشب قسمت جدید  
دختر سنجابی میاد بیرون ... میشه  
بینمش؟

هه، البته که میشه.  
بعد از شام بستنی ... اول  
میخوام با یکی آشنا  
شی.

نکن،  
وید ...



عمو  
عنکبوتی؟!؟

آره، عمو  
عنکبوتی، این خانم  
پر انرژی الیه.

دخترم.

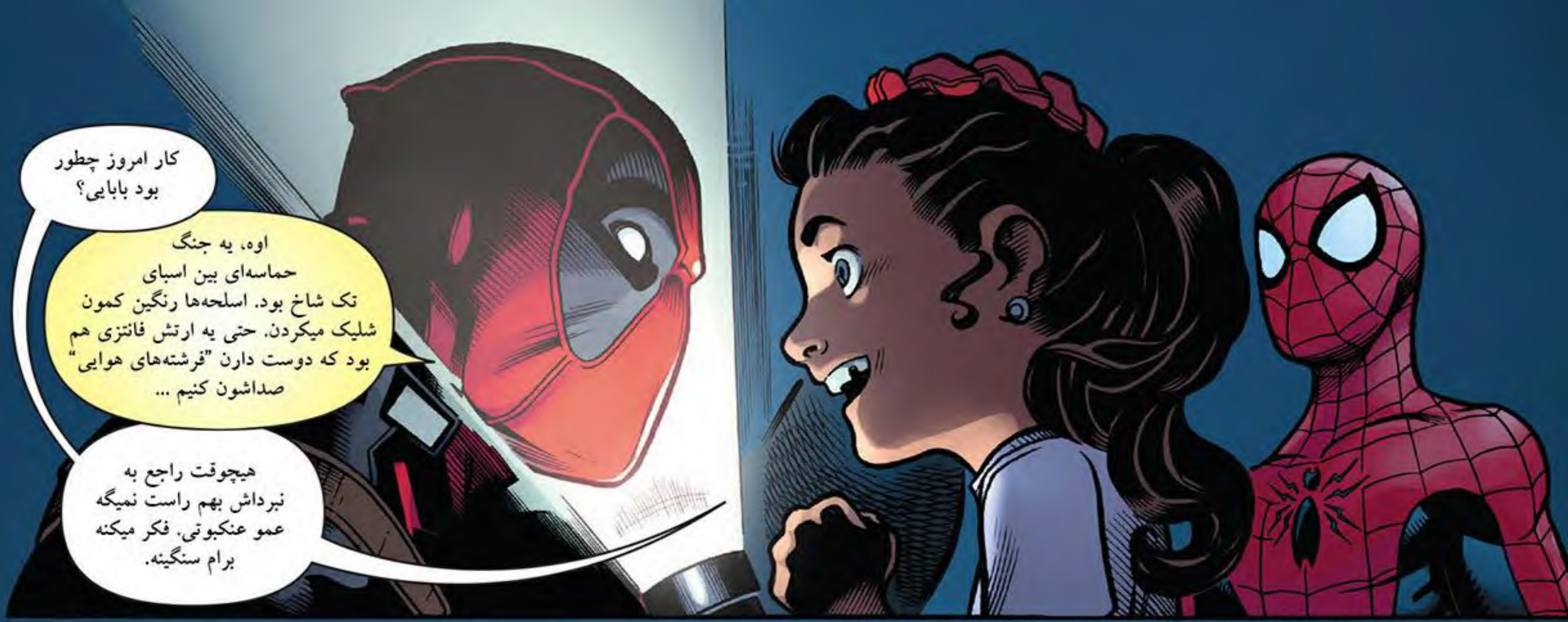
از آشناییت  
خوشحالم الی ...



تو میدونی من  
کی‌ام کله پوک، بابام  
همیشه برام ازت  
میگه.

بهت گفت هفته  
قبل توی شنا مدال  
گرفتم؟

...  
اوهوم آره گفت.  
آفرین.



کار امروز چطور بود بابایی؟

اوه، یه جنگ حماسه‌ای بین اسبای تک شاخ بود. اسلحه‌ها رنگین کمون شلیک میکردن. حتی یه ارتش فانتزی هم بود که دوست دارن "فرشته‌های هوایی" صداشون کنیم ...

هیچوقت راجع به نبردش بهم راست نمیکه عمو عنکبوتی. فکر میکنه برام سنگینه.



بابایی عاشقته! میگه که شماها بهترین دوستای همین و کاپیتان آمریکا هم هیچ عددی ... هممه!

... بچه‌ان دیگه. میشه درسته خوردشون، نه؟ هه.

اینکار ایده خوبی نبود.



برو حموم جابوتو کن و اگه بعدش وقت داشتیم میشینیم قبل خواب یه کم دیگه فیلم منو بیر جهنم میبینیم.

...  
تو جاهای ترسناکش جلو چشماتو نگیری! خدافظ عمو عنکبوتی!



تا مدت زیادی اصلا از وجودش خبر نداشتم و بعد یکهو پوف. دختر دار شدم ...

هیچکس خبر نداره.

الی اینجا زندگی میکنه، امنه ... تا موقعی که من دست از احمق بازی در بیارم و یه پسر واقعی شم. شاید اونموقع شدم داپول ...

همچین چیزی غیر ممکنه؟



"مردم عوض میشن."

"تو از قهرمانی که تو خیابونا بودی پاشدی رفتی تو یه شرکت نشستی پشت میز، منم یه پدرم."

"دنیا جای عجیبیه دیگه، میخوای چی بگم بهت؟"



"من امروز روز خوبی داشتم."

"امیدوارم این امتحان قضاوت از شخصیتیم یا هرچی رو قبول شده باشم."

درست وقتی که فکر میکنی کسی که ازش متنفری رو میشناسی ...



"هی."

"چرا آرام حرف میزنی؟"

"چون نمیخوام اوناییو که خودمو کشتم تا بخوابن و بیدار کنم ..."

"اسکن عنکبوت چطوری پیش رفت احمق کش؟"

"عالی. ضربان عصبیشو با سرعت عمل عضلاتیشو توی دعوایی که تو جنگل داشتین گرفتیم ..."

"و همونقدر شگفت انگیزه که مردم میگن."

"آره. نمیتونی یواشکی بری سمتش. نمیتونی از کنارش بدون اینکه بیشت رد شی. حتی تیر اسنایپر هم حس میکنه."

"به طور خلاصه، نمیتونی بدون اینکه اول ترتیب مرد عنکبوتی رو بدی، پتر پارکر رو بکشی."

"مرسی، ولی راهشو پیدا کردم."

"تیر از جنس نقره؟ شنل نامرئی؟ اسپری ضد عنکبوت؟ با چی میخوای از مرد عنکبوتی رد شی؟"

"با دوستی."



به نظرت واسه محافظت از یه محله تو بولیویا چقدر پول لازمه؟

ساعت ۳ صبحه! شوخیت گرفته؟

دارم به این فکر میکنم که تمرکز موسسه عمو بن رو بپریم روی مناطق قلبیه مواد مخدر ...

آروم بگیر! کلی چیزه هست که باید بررسی بشه و ... «پوف» بدون اینکه اصلا بدونم امروز چه غلطی کردی که همچین سوالی از من میپرسی ... میخوای بدونی من چی فکر میکنم؟

آره، راستشو بگو.

بعضی مردم ... مدت زیادی از زندگیشونو به جوری میگذرونن که من اصلا نمیدونم اگه به شانس دوم بذاری تو بشقاب بدی دستشون باهاش چیکار میکنن.

اینکه چقدر پول لازمه تا به روستا رو عوض کنی؟ شاید هیچی کافی نباشه.

با سه میلیون شروع میکنیم.

هرچی هست بهتر از اینه که تفریح ماشین باشه. از پسرای که پولشونو خرج ماشین میکنن متنفرم.

فکر میکنی تغییری ایجاد میکنه؟

من فکر میکنم که وقتی به مردم به شانس میدی که برای بهتر شدن تلاش کنن ... اونا هم شانشونو امتحان میکنن.

"حتی بدتریناشون."

خوب استراحت کن مسافر. هنوز از بازی بیرون نرفتی.

# میخواهی بدونی قسمت بعدی چی میشه؟



#4

COMIC CITY

[www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

ترجمه شده توسط:

# کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins  
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman